

فصل نامه علمی - پژوهشی پژوهش نامه‌ی تاریخ اسلام  
سال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۲  
صفحات ۷۵ - ۱۰۰

## کارکرد اجوبه‌های علمای شیعی در مطالعات تاریخ اجتماعی ایران<sup>۱</sup>

زهرا علیزاده بیرجندی\*  
سمیرا عباسلو\*\*  
محمدحسن الهی‌زاده\*\*\*

### چکیده

سنت بلنددامنه اجوبه‌نویسی از روزگار ائمه اطهار (ع) آغاز شد و پس از غیبت امام زمان (عج) به علمای شیعی رسید. عالمان شیعه از طریق اجوبه‌ها، به پرسش‌های گوناگونی در زمینه‌های اعتقادی، اقتصادی، حقوقی، مسائل نوپدید (مستحدثه) بنابر نیازهای آن روزگار، پاسخ می‌دادند. از این‌رو، اجوبه‌های عالمان شیعه مجموعه‌ای غنی و استنادپذیر در معارف دینی به شمار می‌روند. این اجوبه‌ها افزون بر اهمیت مذهبی‌شان، داده‌های ارزش‌مندی در زمینه تاریخ اجتماعی در بردارند؛ زیرا مضمون آنها تعامل‌های قشرهای گوناگون جامعه با یکدیگر است و افزون بر این، نیازهای فکری، حقوقی و اقتصادی مردم آن روزگار را بازمی‌تاباند. این مقاله به تحلیل محتوای اجوبه‌ها می‌پردازد و محتوای آنها را برای گرفتن داده‌های اطلاعاتی از آنها به انگیزه تدوین تاریخ اجتماعی برمی‌رسد و نشان می‌دهد که محتوای اجوبه‌ها، گوشه و کنار حیات اجتماعی عصر خود را آشکار می‌کنند که از مواد ناگزیر برای تاریخ‌نگاری اجتماعی‌اند.

### کلیدواژگان

تاریخ اجتماعی، علمای شیعی، اجوبه‌نویسی.

۱. تاریخ دریافت ۹۲/۴/۱۲ تاریخ پذیرش ۹۲/۶/۱۸.

\* استادیار دانشگاه بیرجند، گروه تاریخ، بیرجند، ایران. zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلامی دانشگاه بیرجند، گروه تاریخ، بیرجند، ایران.  
samiraabbaslu@yahoo.com

\*\*\* استادیار دانشگاه بیرجند، گروه تاریخ، بیرجند، ایران. mhelahizadeh@birjand.ac.ir

## طرح مسئله

طبقه اجتماعی علما در حیات سیاسی، اعتقادی، اجتماعی جامعه ایران بسیار تأثیر گذاردند. آنان افزون بر آموزش علوم دینی و تدوین آثار مذهبی، امور قضایی و حل اختلافات اجتماعی مردم را سامان می‌دادند. «اجوبه‌ها» بر اثر ویژگی‌های خود به‌ویژه انگیزه‌های نوشتن آنها، جایگاه برجسته میان آثار عالمان مذهبی دارند. اجوبه‌ها آگاهی‌های ارزنده‌ای در زمینه‌های فقهی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و نظام اندیشگی هر عصر در بر گرفته‌اند. حتی می‌توان نظام دانایی هر دوره را از آنها درک کرد. این مقاله اجوبه‌های عالمان دین را منبعی ناتاریخ‌نگارانه در مطالعات تاریخی برمی‌رسد. پرسش اصلی این پژوهش بر پایه هدف یاد شده چنین است: اجوبه‌ها در پژوهش‌های تاریخی چه کارکردی دارند؟ تا کنون تحقیق مستقلی در این زمینه صورت نگرفته و برای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است.

## تأثیر عالمان دین در تاریخ ایران

تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران از تأثیر تعیین‌کننده علمای دینی در روی داده‌ها و دگرگونی‌های زمانه خبر می‌دهد. مبانی نفوذ و تأثیرگذاری روحانیان را در جامعه ایران در دوره‌های باستانی تاریخ این سرزمین می‌توان جست. پس از ورود اسلام به ایران و رواج آموزه‌های دینی در این سامان، شأن علما و جایگاه اجتماعی آنان در سنجش با جایگاه آنان در دوره‌های پیشین، برتری یافت؛ زیرا بنابر روایات منسوب به امامان شیعه (ع)، بر برتری مقام دانش‌مندان شیعه و اهمیت آنان بارها تأکید شده است؛ چنان‌که مقام آنان را از حریم عابدان بالاتر دانسته‌اند (حجتی، ۹۴).

ساختار اصیل روحانیت و تبیین کارکردهای این طبقه را پیامبر از صدر تاریخ اسلام پایه گذارد. آن حضرت، افرادی کارآمد از میان اصحاب و تربیت‌یافتگان مکتب خود برای تبلیغ دین برگزید. این افراد رابط پیامبر (ص) و مردم و از تأثیر سرنوشت‌سازی در عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و مذهبی برخوردار بودند و به گسترش آموزه‌های اسلامی و تربیت قرآنی می‌پرداختند (علیزاده بیرجندی، ۹). شواهد فراوانی را



در تاریخ ایران می‌توان یافت که بر نقش و حضور فعال علما در رخدادهای سیاسی، جنبش‌های اجتماعی، حرکت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری و جنگ‌ها دلالت می‌کنند. علی دوانی (ب ۳۲-۳۳) در *نهضت روحانیون ایران* شواهدی تاریخی برای تبیین حضور علما در رخدادهای سیاسی و اجتماعی عرضه می‌کند و می‌گوید: «به شهادت تاریخ، روحانیت شیعه در قالب انقلابات و تحولات و نهضت‌های ملی و دینی که در قرون متمادی در ممالک اسلامی روی داده، همواره پیش‌رو و مشعل‌دار بوده است...» (دوانی، ۳۳-۳۲).

افزون بر این، کارهای علمی - فرهنگی از مهم‌ترین مسئولیت‌های علما بوده است. عالمان شیعه در دوره‌های گوناگون تاریخ، در تدوین، حفظ و گستراندن علوم دینی تأثیر گذارده و در تبیین انواع احکام فقهی و علمی مانند کلام، تفسیر، حدیث، رجال و دیگر دانش‌های دینی، بسیار کوشیده‌اند. تربیت طلاب، تقویت و توسعه حوزه‌های علمیه و تألیف آثار ارزنده، از دیگر خدمات فرهنگی علما به شمار می‌رود که مهم‌ترین پیامد آن، رواج سنت علمی پویا و مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلامی است.

با توجه به این کارکردهای عالمان و تأثیر آنان در رفع مشکلات اجتماعی، حقوقی و دینی، تعاملات این طبقه با توده مردم از دیگر طبقه‌ها بیش‌تر بوده است. وجاهت معنوی علما و بافت مذهبی جامعه ایران از عوامل مهم نفوذ علما در جامعه به شمار می‌آیند و آثار و تألیفات آنان، از عوامل تأثیرگذاری علما در این جامعه به شمار می‌روند. آثار علمای شیعی را از دید موضوع و کارکرد به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: رساله‌های عملیه؛ اجوبه‌ها؛ تقریرات درسی؛ شرح آثار قدما؛ کتاب‌های تألیفی در حوزه‌های گوناگون (تاریخ، فقه، حدیث، ملل و نحل، کلام، فلسفه، عرفان و...).

با بررسی محتوایی هر یک از این آثار، تأثیر آنان را در پویایی فرهنگ تشیع و بسط اندیشه‌های دینی و آموزه‌های اسلامی می‌توان نشان داد، اما اجوبه‌ها به دلیل ویژگی‌ها و دلایل نگارششان، جایگاهی خاصی در این میان دارند.

### تعریف اجوبه و دلایل اهمیت آن

اجوبه‌ها، مجموعه‌ای از پرسش‌ها و پاسخ‌ها فقهی است که با عنوان «سوال و

۱. اجوبه: (تک: جواب)، پاسخ‌ها (پرتو، ۵۰).

جواب» یا «اجوبه المسائل» یا «جواب المسائل»، گردآوری و تنظیم شده‌اند. این آثار مکتوب بر جای مانده از محدثان و فقیهان شیعه، بخش‌های مهمی از معارف اسلامی و فرهنگ اصیل شیعی در بردارند. خاستگاه پیدایی اجوبه‌ها و تقریراتی از این دست، خود ائمه اطهار(ع) اند (اباذری، ۷۴). پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی در آغاز به شیوه روایی و شفاهی مطرح می‌شد و بسیاری از روایات پیشوایان شیعه (ع)، پاسخ‌هایی به پرسش‌های مردم عادی و دانش‌مندان به شمار می‌رفت. این پاسخ‌ها در بردارنده قواعدی بود که راه کوشش علمی را برای فقهای دوره‌های بعدی هموار کرد (وحدتی شبیری، ۵۰). برای مطالعه اجوبه‌ها و ارزیابی تأثیر آنها در فرهنگ تشیع، ناگزیر باید آنها را بر پایه معیارهایی تقسیم کرد:

۱. طراحان سؤال و سطح علمی و جایگاه آنان؛

۲. مضمون و محتوای اجوبه‌ها؛

۳. شأن و جایگاه علمی پاسخ‌دهنده؛

۴. مسائل و نیازهای زمانه.

معیار اخیر (تأثیر نیازهای عصری) در پیدایی اجوبه‌ها بسی تأثیر گذارد؛ زیرا تحولات اجتماعی و فن‌آورانه (تکنیکی)، تحقق روی‌دادهای خاص تاریخی (جنگ و...)، ظهور اندیشه‌ها و فرقه‌ها در یک زمان، مردم را در قلمرو اندیشه و عمل به بحران دچار می‌کرد.

اجوبه‌های علمای عصر صفویه نیز از اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن روزگار تأثیر پذیرفتند. فراز و فرودهای اهل طریقت، مباحث تصوف و تقابل شریعت و طریقت در این عصر، مسائل فراوانی را در ذهن‌های بسیاری از فرهیختگان پدید آورد و این مسائل در اجوبه‌های علمای این دوره بازتابید. اجوبه ملا محمدباقر مجلسی معروف به «پاسخ به سه پرسش ملا خلیل قزوینی» درباره طریقه حکما، مجتهدان و اخباریان به‌ویژه طریقه صوفیان، نمونه‌ای از این دست است که بخش بزرگی از آن به طریقه صوفیان می‌پردازد. البته کسانی در صحت انتساب این جوابیه به ملا محمدباقر شک روا داشته‌اند. برای آگاهی از محتوای این اجوبه بخش‌هایی از آن گزارش می‌شود:

۱. برای آگاهی بیش‌تر در این باره، رک: عزیززاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰) «روایروی اهل شریعت با اعل

اما مسئله سیم که از حقیقت و بطلان طریقه صوفیه سؤال کرده بودند؛ باید دانست که راه دین یکی است و حق - تعالی - یک پیغمبر فرستاده ...، لیکن مردم در مراتب عمل و تقوا مختلف می‌باشند و جمعی از مسلمانان که عمل را به ظواهر شرع شریف نبوی (صلی الله علیه و آله) کنند و به سنن و مستحبات عمل نمایند ... و پیوسته اوقات خود را صرف عبادات و طاعات کنند و از اکثر خلق که معاشرت ایشان موجب تضييع عمر است کناره جویند، ایشان را مؤمن زاهد متقی گویند و مسمی به صوفیه ساخته‌اند ... و این جماعت زبده مردمند و لیکن چون در هر سلسله جمعی داخل می‌شوند که آنها را ضایع می‌کنند و در هر فرقه از شیعه و سنی و زیدی و صاحبان مذاهب باطله می‌باشند و هم‌چنین در میان سلسله صوفیه شیعه و سنی و ملحد می‌باشند و چنان‌که سلسله شیعه در میان علما از سلسله‌های دیگر ممتاز بوده، هم‌چنین سلسله صوفیه شیعه نیز از غیر ایشان ممتاز بوده ...<sup>۱</sup> (مجلسی، ۴-۵).

محتوای این رساله‌ها نشان‌دهنده این است که بنابر نیازها و اوضاع فکری آن دوره‌ها سامان می‌یافته‌اند. نزاع و رقابت این دو در این رساله آشکار است. بنابراین، اجوبه یاد شده بازتاباننده بخشی از تاریخ اجتماعی و درگیری‌های گروه‌های فکری عصر صفوی به شمار می‌رود. اجوبه‌های دوره قاجار نیز مسائل مهم اجتماعی آن دوره را در بردارد و در آنها مهم‌ترین مسائل جامعه آن روز مطرح شده است؛ یعنی این اجوبه‌ها نیز نیازهای فکری، عقیدتی، اقتصادی و حقوقی جامعه خود را پاسخ گفته‌اند. با بررسی برخی از اجوبه‌های عصر قاجار و مباحث مطرح در آنها، اهمیت و گنجایی اجوبه‌ها برای استخراج داده‌های تاریخ اجتماعی آشکار می‌شود:

### ۱. «لب الخطاب فی رد شبهات اهل کتاب»

برخی از اجوبه‌های علما شیعه، پاسخ به شبهات و سؤالاتی است درباره اهل کتاب و

---

طریقت در عصر صفوی». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد.  
۱. ملا محمد باقر مجلسی، «اجوبه ملا محمدباقر به ملا خلیل»، محمدتقی مجلسی تشویق السالکین، (چاپ سنگی، سال ۱۳۱۱ ه.ق.)، ۴-۵.

دیگر ادیان در روزگار حیات آنان است. چنین رساله‌هایی بیش‌تر بر اثر اوضاع فکری و ویژگی‌های مذهبی جامعه پدید آمده‌اند. لب الخطاب فی رد شبهات / هل کتاب نوشته محمدباقر آیتی بیرجندی، نمونه‌ای از این آثار است که سؤالات و شبهاتی درباره اهل کتاب به‌ویژه یهود و نصارا در بردارد. محمدباقر آیتی هنگام نوشتن این کتاب در بیرجند بوده و با استناد به متون دینی و از راه‌های گوناگون به این شبهات پاسخ داده است. در آن زمان شمار اندکی یهودی و مسیحی در بیرجند می‌زیسته‌اند (خسروی، ۸۵). هیئت‌های تبلیغی و تبشیری در دوران قاجار؛ یعنی زمان نوشتن این اثر، به تلاش‌های گسترده‌ای برای رواج آیین مسیحیت در کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران پرداخته و در این زمینه آثاری را نیز به انگیزه تبلیغ مسیحیت منتشر کرده بودند<sup>۲</sup>. گمان می‌رود این رساله سؤال و جواب نیز برای مقابله با این تبلیغات و جلوگیری از انحراف جامعه اسلامی سامان یافته باشد.

## ۲. «سؤال و جواب مسمی بالوسیله»

این کتاب را فتح‌الله بن محمدجواد شریعت اصفهانی (۱۳۳۹-۱۲۶۶ ق) نوشته و فهرست منابع چاپ سنگی اداره مخطوطات آستان قدس رضوی آن را با عنوان قراردادی «وسیلة المعاد» ثبت کرده است. این کتاب سؤال‌ها و جواب‌هایی درباره مسائل فقهی مانند ربا، صلح، ضمانت، شراکت، قراض و مضاربه، ارث، طلاق و دیگر مسائل متفرقه در بردارد<sup>۳</sup>. گزیده‌ای از این پرسش‌ها و پاسخ‌ها از این رساله بدین شیوه گزارش می‌شود:

س: در میان پدر و پسر و میان زن و شوهر و میان مملوک که مختص مولا او و میان مسلمان و کافر حربی اخذ ربا حرام است؟

۱. محمدباقر آیتی بیرجندی (۱۲۷۶-۱۳۵۲ ق) از فقها و مجتهدان بزرگ شیعه و صاحب آثار و تألیفات فراوانی در مباحث فقه استدلالی، رجال، مهدویت و... بود. برای آگاهی‌های بیش‌تر درباره شأن و مقام علمی این عالم بزرگ، ر.ک: علیزاده بیرجندی، ۶۶.

۲. در این باره، ر.ک: حائری، ۵۲۹.

۳. قراض و مضاربه بر پایه تعریف شریعت اصفهانی در رساله «سؤال و جواب؛ مسمی بالوسیله»، آن است که شخصی مالی را به غیر بدهد تا معامله کند و از این طریق در نفع با او به حصه معینی شریک باشد... (شریعت اصفهانی، ۱۳۵).



ج: حرام نیست و لکن کافر حربی از مسلمان نمی‌تواند اخذ ربا کند.<sup>۱</sup>

س: در میان جد و نواده و میان پدر و دختر و میان مالک و مملوک بیع ربا چه صورت دارد؟

ج: ما بین پدر و دختر و ما بین مالک و مملوک، ربا نیست؛ اخذ زیاده جایز است و در ما بین جد و نواده، احوط عدم جواز است و احوط این است که شوهر و زوجه منقطع نیز از یک‌دیگر اخذ زیاده نمایند؛ چنانچه بعضی فرموده‌اند و احوط، بلکه اقوی عدم جواز اخذ رباست از کافر ذمی؛ چون یهود و نصارا که جزیه می‌دهند (اصفهانی، ۱۲۴).<sup>۲</sup>

س: زن‌هایی که مو و بدنشان را از نامحرم نمی‌پوشانند مثل ایلات و بادیه‌نشینان؛ چه اعراب و چه غیر اعراب، چه صورت دارد؟

ج: باید مردان چشمان را از ایشان بپوشند، بلی بر وجه و کف‌تین اجنبیه نظر کردن جایز است؛ به شرط آن‌که ربه و تلذذ در او نباشد<sup>۳</sup> (اصفهانی، ۱۶۲).

س: هرگاه زوج، مهری معین کرد از برای زوجه و قصد دادن آن را ندارد، عقدش صحیح است یا نه؟

ج: بلی عقدش صحیح است (اصفهانی، ۱۶۲).

### ۳. «ذخیره العباد لیوم المعاد»

این کتاب را ابوالحسن اصفهانی (۱۳۲۴-۱۲۴۶ ق) نوشته و در فهرست منابع چاپ سنگی اداره مخطوطات آستان قدس نمایه‌سازی شده است. مهر نویسنده ذیل عبارت «عمل به این رساله شریف صحیح است»، در نخستین صفحه این رساله دیده می‌شود (اصفهانی، ۱). این رساله پرسش‌هایی درباره اجتهاد، تقلید، آداب معاشرت، چگونگی

۱. س و ج: حروف اختصاری برای دو کلمه سؤال و جواب است.

۲. احوط [أ و]: نعت تفضیلی از حوط است. با احتیاط‌تر، به احتیاط نزدیک‌تر، اجتناب (دهخدا، ۱۴۸۰). گفتنی است مبحث ربا از مباحث مطرح در دوره قاجار به شمار می‌رفت؛ چنان‌که سید محمدعلی باب بنیادگذار بابیه، خواهان قانونی شدن بهره وام بود و این خواسته در آموزه‌های اقتصادی - اجتماعی‌اش باز تابید (فوران، ۲۴۱).

۳. ربه [ر]: در شک افکندن کسی را و گمان بردن در شک را و تهمت کردن وی، به چشم بد در محارم نگریستن، نظر مرد به نامحرم نه به وجه تقوا (دهخدا، ۲۴۹).

برگزاری آیین عزاداری و شروط اهل کتاب در بردارد که نمونه‌هایی از آنها بدین شیوه گزارش می‌شود:

س: ردّ سلام زن چنان‌که معمول و رسم است به صیغه مذکر می‌کنند بر ذمه می‌شود یا باید به صیغه مؤنث مثل «علیک السلام» یا «علیکن السلام» ردّ کنند؟

ج: امر در تأیید و تذکیر سهل است و جواب سلام باید صحیحاً واقع شود؛ پس اگر اراده شخص نماید و تذکیر به اعتبار شخص باشد، ظاهراً صحیح است، بلکه اگر اراده هم ننماید، چون وجه صحیح دارد صحت بعید نیست. س: مزیقه با طبل و شیپور و ضنج در تعزیه‌داری سیدالشهداء (علیه و علی اولاده السلام) زدن چه صورت دارد؛ شرعی است یا نه؟

ج: شرعی نیست و حرام و تعزیه‌داری مسوّغ آن نیست<sup>۱</sup> (اصفهانی، ۱۳۴). س: سر را به قمه و نحو آن مجروح کردن در عاشورا جایز است یا نه؛ چنان‌که رسم است؟

ج: رجوع به غیر نمایند، اگر مجتهد عادل تجویز کنند در اتباع او مأذون هستند.

س: اهل کتاب پاکند یا نه و مراد از آنها آیا ارمنی و روس و انگلیس و فرانسه و جهودانند یا غیر از اینها؟

ج: همه اینها از اهل کتابند و قول به طهارت آنها در امامیه نادر است (اصفهانی، ۴۴).

#### ۴. رساله «سؤال و جواب»

این رساله را محمد بن فضلعلی شرایبانی (۱۳۲۲-۱۲۴۵ ق) در مباحث فقهی نوشته و فهرست منابع چاپ سنگی اداره مخطوطات آستان قدس رضوی با نمایه‌سازی آن را یاد کرده است. گزیده‌ای از سؤال و جواب این رساله چنین گزارش می‌شود:

س: به زن ناشزه که فقیر شده باشد جایز است زکو دادن یا نه؟  
ج: جایز نیست اگر شوهر غنی و نفقه‌دهنده باشند؛ زیرا که قادر است بر اطاعت شوهر پس اطاعت می‌کند و نفقه به خود از شوهرش (شرایبانی،

۱. مسوّغ [مُسَّوٌّ وِو]: روا دارنده، مجوّز، جایز کننده (همان، ۴۴۷).



### ۵. رساله «ذخیره المعاد فی تکالیف العباد»

این رساله از آن زین العابدین بن مسلم حائری مازندرانی (۱۳۰۹-۱۲۲۷ ق) است. دیباچه کتاب شرحی درباره سفرهای این عالم به عتبات، کسب تحصیل فقه و اصول در بردارد. بر پایه تصریح مقدمه کتاب، سؤال‌های گوناگونی از جای‌های مختلف به‌ویژه از هند از او پرسیده‌اند و نویسنده رساله به شیوه رایج در چنین آثاری، بدانها پاسخ گفته است. نخستین پرسش‌ها و پاسخ‌های مطرح در آن، درباره تقلید و اجتهاد و پرسش‌های بعدی درباره مسائل اجتماعی و حقوقی‌اند (حائری مازندرانی، ۵۶۶-۵۷۲ با تلخیص). نمونه‌ای از سؤال و جواب‌های این رساله بدین شیوه گزارش می‌شود:

س: زید پول ناجائز از نوکری حکومت نصارا و غیر آن که بودجه ناجائز از مسلم و کفار گرفته است و مال مسلم به صاحب و ورثه‌اش رد کردن نمی‌تواند، جمع کرده است؛ می‌خواهد به حج برود و مستطیع شود. از این پول آیا می‌شود که زید این پول را به حاکم شرع دهد و مصالحه کند به اینکه حاکم شرع آن پول را از طرف خود به او بدهد و رد کند تا او به حج برود و مستطیع شود و عوض این مصالحه زید برای حاکم شرع چیزی مواجب از پیش خود معین کند و همیشه به او بدهد یا نه؟

ج: بلی این علاج واقعی می‌باشد و گذشت حاکم شرع می‌تواند که او را مستطیع کند به دو نحو: یکی به بذل و یکی به استطاعت و عوض «مال المصالحه» به اقساط به شرط حیات یا مطلقاً معلوم نماید (حائری، ۶۳۲).

س: در جواب استفتای حقیر در توجیه مسئله «الصلوة غیر من النوم» این عبارت بعد عبارت دیگر که قلمی فرموده‌اند که «حقیر من هذا الباب و التقیه گفتم الخ» لفظ «و التقیه» از نوک قلم بسیار باریک و مشکوک نوشته شده است. آن لفظ «و التقیه» است یا لفظ دیگر و بعده لفظ «البتة ثواب دارد» است یا دیگر و اگر «البتة ثواب دارد» است، ربط عبارت چه طور می‌شود؟ بی‌نوا.

ج: آن لفظ «و التقیه» می‌باشد و البتة ثواب دارد به جهت آنکه تقیه بسیار ثواب دارد و الله العالم. و انا الا قلمی زین العابدین المازندرانی

(حائری، ۶۳۲).

#### ۶. «سؤال و جواب»

سؤال و جواب را شیخ مرتضی انصاری نوشته و محمدیوسف استرآبادی آن را به انگیزه دست‌یابی آسان مردم بدان، به صورت سؤال و جواب درآورده است تا به وقت ضرورت آن را بخوانند. این کتاب افزون بر سؤال‌ها و جواب‌هایی درباره تقلید و اجتهاد، به مباحث دیگری مانند نماز و زکات می‌پردازد. هم‌چنین احکام طهارت زنان و جزئیات آنها همراه با نکته‌های ارزنده‌ای در این زمینه، در این رساله گنجانده شده است (انصاری، ۴-۹).

#### ۷. «سؤال و جواب»

علی بن محمد ولی خراشادی (م ۱۲۷۹ ق) معروف به آخوند ملا علی از علمای بزرگ و مجتهدان بلندپایه قاینات از دیگر عالمانی است که چنین رساله‌هایی دارد. از او دو رساله بر جای مانده است:

#### ۷-۱. رساله‌ای در سؤال و جواب فقهی

این رساله در پایان نسخه خطی «هدایه المتدینین» از این عالم برجسته آمده که به اصل این نسخه پیوسته<sup>۱</sup> و گویی بر پایه مشهودات بخشی از رساله‌ای بلند درباره سؤال‌ها و پاسخ‌های مسائل شرعی سامان یافته است. آن رساله فارسی، شواهدی به عربی دارد و شاید نسخه به خط مؤلف بوده باشد. بخش‌هایی از مطالب، افتاده و پراکنده شده‌اند.

#### ۷-۲. بخشی از نسخه خطی رساله «منجی العالمین»

این رساله سؤال و جواب به مسائل شرعی می‌پردازد که آن را ملا علی خراشادی در پاسخ به سؤالات نوشته و پایان نسخه افتاده و دو صفحه خاتمه کنونی، بدان ملحق شده است. بر پایه نشانه‌های فراوان، شاید گونه‌ای از تقریرات بوده باشد که کسی از مستمعان آن را گرد آوری است. برگ‌های آغازین (کمابیش دوازده برگ) انشای بسیار مغلقی به نام ناصرالدین شاه و دولت‌مردان قاجاری همچون حسام السلطنه والی

۱. مطالب سؤال و جواب فقهی از صفحه رو از برگ ۴۵ آغاز می‌شود.

خراسان، امیر علم‌خان حاکم منطقه قاینات و شورش فرقه اسماعیلیه در بردارد و از دید تاریخی نیز مهم می‌نماید (نسخ خطی شماره ۵-۸۰۷۵، ۵۸۰۵۰، ۵۸۰۷۴، سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران).

#### ۸. رساله «اعتقادات و اصول معارف»

این اثر دیدگاه‌های ملا محمدحسن هردنگی و استادش را در بردارد. ملا محمد حسن هردنگی از علما و فقیهان منطقه قهستان بوده و جایگاه علمی او نزد مراکز علمی قاینات و دانش‌مندان آن عصر پوشیده نبوده است و فاضلان وقت در محضر درس وی تلمذ می‌کرده‌اند (راشد، ۲؛ غوث، ۱). زندگی میان مردم و مراجعه به مردم برای حل مسائل شرعی‌شان، نزد او - بنابر دیدگاه فقهی‌اش - بر یک‌جانشینی و ماندن در انتظار آنان، راجح بود و به همین دلیل با اینکه همه زمینه‌های مادی در بیرجند و قاین برایش فراهم آمد، این مناطق را ترک کرد و به هردنگ و پیرامون آن رفت. از این عالم بزرگوار نوشته‌های بسیاری مانده است، اما بیش‌تر آنها آشفته‌اند. این کتاب به مباحث امامت به‌ویژه اشکالات عامه فاضل هروی را در بردارد و به آنها پاسخ داده و اشکالاتی ابتکاری را در پاره‌ای از مسائل درباره اصول ایشان مطرح کرده و گاهی از توحید و معاد سخن گفته و در اثبات آنها از اصول فلاسفه سود برده است (علیزاده بیرجندی، ۱۱۱). مجموعه‌ای از اجوبه‌ها، از آثار او و از دید موضوعی و محتوایی، گسترده و بسیار متنوعند. نمونه‌هایی از این اجوبه‌ها چنین گزارش می‌شود:

س: زید مثلاً تولیت حسینیه را غصب کرده و از تصرف عمرو متولی بیرون کشیده، اشخاصی که تولیت را مال عمرو و در تصرف زید عرض می‌دانند و عالمنده به اینکه عمرو راضی نیست که بروند و در این حسینیه بنشینند و گوش به روضه بدارند و شربت و قهوه میل نمایند. آیا مباح است بر آنها رفتن و صرف شربت (بینوا و توجروا، ۱۳۰۸ محرم الحرام).

ج: بسم الله الرحمن الرحيم

در صورت مفروضه مباح نیست و غصب است و غصب الایات شرعیه عامه

۱. همه نمونه‌های عرضه شده، با بهره‌گیری از بایگانی اسناد خانوادگی ملا محمدحسن هردنگی به همت بازماندگان ایشان، گرد آمده است.



و خاصه نیز مثل غصب اعیان است.

وظیفه رسیدگی به نیازها و مشکلات شرعی و دینی عامه، بنابر سنت رایج بر عهده متخصصان دین و علماست؛ یعنی مردم برای یافتن پاسخ مسائل خود نزد آنان می‌رفته‌اند (شعبانی، ۱۳۷). با بررسی این مسائل می‌توان به فضای فکری، دغدغه‌های دینی، نگرش مردم، باورها و همه مسائل «مبتلا به» مردم در این حوزه دست یافت و به درک روشنی از تاریخ اجتماعی آن دوره رسید. اجوبه‌ای یاد شده نمونه‌ای از این دست مسائل است.

س: اختلاف کرده‌اند که آیا اشیاء موجودات عالم معدوم صرف می‌شوند و بعد اعاده می‌شوند یا متلاشی و اضمحلال روی می‌دهد و اجزاء از یک‌دیگر متفرق می‌شود و بعد از تفرق در حشر جمع می‌شوند.

ج: لاستحاله اعاده معدوم الصرف و لزوم الظلم فی عقاب المعاقبین و السفه و اللغو فی ثواب المثابین<sup>۱</sup>؛ زیرا که اگر معدوم شود، صرفاً و باز بعد موجود شود، پس آن یکی اول نخواهد بود؛ پس عقاب او ظلم خواهد بود و جزا و ثواب دادن به او لغو؛ زیرا که تعب عبادت را دیگری کشیده و از اینجاست که محقق طوسی در *تجدیه* گفته است: «و يتأول فی المكلف بتفرق الاجزاء»؛ یعنی فنا و هلاک متأول است در مکلف به متفرق شدن اجزاء<sup>۲</sup>.

س: خدای تعالی در مقام صفات چیست؟

ج: خدای - تعالی - در مقام صفات این است که او را در آن صفات مشارکی از ممکنات نیست؛ چون علم و قدرت و حیات و اراده و غیر اینها از صفاتی که متکلمین صفات ثبوتیه‌اش نامیده‌اند و مانند مرکب نبودن و غیر اینها، از صفاتی که صفات سلبيه‌اش نامیده‌اند و فی الحقیقه کل این صفات چه اثبات کرده‌اند نه به معنایی است که در ممکنات به کار برده می‌شود. مثلاً علم در ممکن امر است و رای ذات او و معنایی است که قائم است به نفس عالم و شیئی است مغایر با او و هم‌چنین قدرت او و غیر این

۱. به جهت محال بودن برگشت معدوم خالص و لزوم در عقاب گناه‌کاران و لازم آمدن سفاهت و بی‌هوده‌کاری در ثواب بندگان مطیع.

۲. بخش معاد رساله «اعتقادات».

دو بدین سبب است<sup>۱</sup>.

دو سؤال اخیر بر این دلالت می‌کنند که مباحث فلسفی نیز از مسائل مطرح در آن دوره بوده و ذهن گروهی را از مردم جامعه به خود سرگرم داشته‌اند؛ چنان‌که رواج آنها را در رساله «الاجوبه الاسراریه عن الاسئلة العرفانیة» (دوره قاجار) می‌توان دید. این رساله را فیلسوف حاج ملاهادی بن مهدی سبزواری، عالم و حکیمی کامل از بزرگان فلاسفه و حکمای اسلامی اواخر قرن سیزدهم قمری نوشته است. او به حکمت و کلام و استکشاف اسرار و دقائق فلسفه آگاه بود؛ چنان‌که او را در دوره ناصرالدین شاه هم‌سنگ با ملاصدرا در عصر صفوی می‌دانستند (مدرس تبریزی، ۴۲۲). این رساله پاسخ‌های فیلسوف را به پرسش‌های اسماعیل بجنوردی متخلص به عارف در انشقاق قعر، رجعت اهل‌البیت، ظهور حجت، معاد جسمانی و... در بردارد (تهرانی، ۹۷).

بنابراین، اجوبه‌ها از دید محتوایی همواره به مسائل نماز، روزه، غسل و... ناظر نبودند، بلکه گاهی پرسش‌های فلسفی را پاسخ می‌گفتند و نظام فکری و عقیدتی و حتی فرقه‌شناختی دوره خود را بازمی‌تاییدند. رسیدگی به امور قضایی جامعه در دوره قاجار، در دو محکمه صورت می‌گرفت: ۱. محاکم مذهبی یا شرعی به ریاست علما؛ ۲. محاکم عرفی به ریاست مقامات حکومتی (فلور، ۱۳۷).

مردم برای حل مشکلات خود در زمینه ارث، دعوای خانوادگی و دیگر امور روزانه زندگی نزد علمای مذهبی مراجعه می‌رفتند و سخن آنان را پی می‌گرفتند. علمای مذهبی در دادگاه‌هایی معروف به «محاکم شرع» بدین درخواست‌ها رسیدگی می‌کردند، اما اتهام‌ها یا جرم‌هایی مانند نپرداختن مالیات یا شورش بر ضد حکومت، تخلف از دستورهای حکومتی به شمار می‌رفت که در محکمه‌ای با نظارت و ریاست مأموران دولتی مانند کلانتر یا مسئول نظمیه، بدانها رسیدگی می‌کردند. این محکمه‌ها را «محاکم عرف» می‌خواندند. حکم این محکمه‌ها را مأموران حکومت اجرا می‌کردند. بالاترین مرجع قضایی خود شاه بود که جرم‌های مهم و مشکل را نزد او مطرح می‌کردند. البته

۱ بخش مبدأ رساله «اعتقادات».

همیشه مرز دقیقی میان این دو محکمه نبود (الگار، ۱۹).

به‌رغم وجود این محکمه‌ها در دوره قاجاریه، قضاوتی غیر رسمی و رجوع به شخص ثالث یا حکم نیز رواج داشت که مرجع قضایی پذیرفته مردم بود. احاطه نداشتن حکومت بر وضع قضاوت و پراکندگی جمعیت گسترده در سطح کشور موجب شده بود که مردم برخی از مناطق دوردست و روستاها که به قاضی دسترسی نداشتند، به علمای مقبول عامه آن منطقه رجوع کنند و این علما به مسائل حقوقی و خصوصی همچون طلاق و نکاح و دیگر احکام الله و حقوق الناس، تعیین حدود و اجرای قصاص، دیات و تعزیرات رسیدگی می‌کردند (قشقایی، ۳). البته دادنامه کتبی یا مجموعه آرای قضایی از آنان بر جای نمانده است، اما از طریق مجموعه‌های سؤال و جواب موجود می‌توان از مسائل قضایی بسیاری در این دوره آگاه شد (وحدتی شبیری، ۵۲) که خود نشان‌دهنده مسائل حقوقی و قضایی خاص آن دوره و مکانند و با بررسی آنها می‌توان به موضوع‌های اجتماعی مهمی پی برد. نمونه‌هایی از این مسائل قضایی چنینند:

س: زید فوت می‌شود و بعد از فوت او عمرو سندی بیرون می‌آورد که من از زید طلب‌کارم. وارث زید می‌گوید که من نمی‌دانم وجه این سند را به پدرم داده یا نه؟ وجه تو را می‌دهم، لکن قسم یاد کن که این وجه را به پدرم داده‌ای. آیا می‌شود عمرو را چنین قسمی بار نمود در صورتی که هرگاه عمرو قسم وارد نماید، وارث قسم می‌خورد که این وجه را به پدرم نداده‌ای.

ج: باسم الله الرحمن الرحيم

عمرو باید ثابت کند طلب خود را از زید به بیینه و قسم نیز بخورد و اگر بخواهد وارث زید را قسم بدهد، اگر دعوای علم ایشان را به طلب دارد می‌تواند ایشان را قسم «نفی العلم» دهد نه آنکه طلب ندارد. بتأ و جزماً و الله العالم.

س: مدعی میت باید قسم بخورد و مدعیات خود را بگیرد تا قسم نخورد می‌تواند مدعیات خود را بگیرد یا نه؟

ج: باسم الله (تعالی)

خیر. تا قسم نخورد، یک فلسفی نمی‌تواند بگیرد، بلکه قسم باید اولاً یاد کند

چون قسم بیّنه است و الله العالم باحکامه.

جامعه عصر قاجار، مذهبی و همه اصول خانواده بر پایه مذهب استوار شده و داد و ستد، معاملات، عقد و ایقاعات و مناسبات و روابط افراد، تابع احکام دینی بوده است (شمیم، ۳۶۸). به همین سبب روحانیان این دوره جایگاه شایسته‌ای داشته و در همه عرصه‌های زندگی مردم حاضر بوده‌اند. بنابراین، بخش فراوانی از اجوبه‌های علما بر محور مسائل اقتصادی و ملکی می‌گشت که از مضمون آنها می‌توان به سیاق معیشتی مردم، شیوه‌های تولید، اقتصاد کشاورزی و مسائلی از این دست پی بُرد. جامعه ایران در عصر قاجار بر پایه اقتصاد کشاورزی استوار بود. برخورداری از زمین و به تبع آن برخورداری از سهم آب، معیار ثروت، اعتبار و جایگاه اجتماعی به شمار می‌رفت و مردم جامعه آن روز در این می‌کوشیدند که این دو ابزار ثروت و قدرت اجتماعی را به دست بیاورند (فوران، ۱۸۹). از این‌رو، بخش بسیاری از دعاوی حقوقی از این مسئله سرچشمه می‌گیرد. این امر در اجوبه‌ها بازتاب آشکاری دارد. چندی از این سؤال و جواب‌ها چنینند:

س: صاحب اختیار!

آب یک قنات روستایی خرابی می‌کند. در اراضی پایین، زارعین آب را جمع کرده و به رودخانه می‌فرستند. شخصی از آن روستا مدعی می‌شود که شما حق انجام این کار را ندارید و آب را برگردانده و روی کاریز و بر اراضی می‌اندازد. ضمن اینکه ملک زارعین از ملک آن روستا نمی‌باشد و از مازاد آن آب می‌خورد. اگر آن شخص شرعاً مسلط است که شقّ جوی کند، بیان فرمایید و اگر تسلط شرعی ندارد، مرقومه فرمایید!

ج: دانسته شما باشد که ایشان را تسلطی نیست که جوی روستا را شقّ کند و آب را از اراضی بیاندازد که قطعاً محل خطر و مرافعه است. در خصوص ملک زیر قنات چون آب مازاد از قنات حکم سیلاب دارد، در آن دخل و تصرفی برای مالکین آن روستا نیست و الله تعالی [اعلم].

س: بیان فرمایید که زید املاک خود را صلح می‌کند به عمرو. به تمام و برخی از این املاک شرط غیر بوده و برخی مهر زوجات وی بوده. حال

یکی مدعی است که این صلح باطل است؛ به واسطه اینکه برخی مال غیر بوده. آیا صلح به نسبت به آنچه مال غیر است باطل است یا صلح تمام املاک باطل است.

ج: باسم الله (تعالی)

صلح نسبت به ملک مصالح صحیح است والله اعلم.

برخی از دیگر اجوبه‌ها در بردارنده موضوع‌های مرتبط با مسائل و مشکلات خانوادگی آن دوره است که با بررسی آنها می‌توان به اطلاعاتی درباره دعوای خانوادگی، میزان مهریه‌ها، دیه‌ها و... دست یافت.

س: تب خوردگی<sup>۱</sup> زوجه مرحوم میرمحمد حسین بیک ملاحظه شد. سه موضع که چوب خورده بود و آثار سیاهی داشت. طولاً به قدر سه گره و کم‌تر و عرضاً به قدر عرض دو ناخن بود. ناخن دست زوجه محمدحسین هم جراحت و عارضه داشته است و از تقریر محمدحسین معلوم است که میر محمدعلی پسر میر محمدحسین ضرب را وارد آورده بر زوجه پدر خود و گویا چند نفر دیگر هم بوده‌اند. صاحبان حکم شرع و عرف مستفسر و جویا خواهند شد و حکم دیه را خواهند فرمود.

ج: باسم الله (تعالی شأنه)

دیه سه موضع مایل سیاهی ۴/۵ مثقال طلای سکه‌دار است و جراحت ناخن باید قصاص شود. اگر تراضی بر دیه حاصل شد، نصف شتر که معادل پنج مثقال طلاست دیه می‌شود.

مسائل مطرح در اجوبه‌های شماری از علمای دوره قاجار، نکته‌های ارزنده‌ای درباره تاریخ اجتماعی آن دوره به دست می‌دهد. جدول زیر پاسخ‌های علما را به مسائلی درباره شهر و منطقه خاص، مسائل نو و مستحدثه، فرقه‌ها و گروه‌های خاص اجتماعی و... در بردارد که آنها را بر پایه محتوا و مضمونشان می‌توان تقسیم‌بندی کرد:

۱. تَبّ tapp ۱. کتک؛ ۲. ضربه (این واژه تَاب نیز تلفظ می‌شود) (رضایی، ۱۳۵).



عالمان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
سید محمدکاظم طباطبایی یزدی	۱۳۳۷ - ۱۳۴۷	۱. السؤال و الجواب؛ ۲. طريق النجاة؛ ۳. رساله دیگری در پاسخ به اهالی رشت دارد.	۱. درباره مسائل فقهی است. ۲. بسیار کوتاه است و با عنوان «سؤال و جواب» تنظیم و در ۱۳۳۰ قمری در بغداد، چاپ‌خانه دار السلام منتشر شده است.	۱. مدرسی تبریزی، ۱۶/ ۳۹۲. ۲. جناتی، ۲۶۹. ۳. همان، ۲۸۴.
سید شهاب‌الدین تبریزی	۱۳۱۵	۱. أجوبة المسائل الـرازية؛ ۲. أجوبة المسائل العلمية و الفنون المتنوعة.	۱. در پاسخ چند مسئله از مردمان تهران درباره نجاست الکل، جواز عکس‌برداری، جعبه عکاسی، جواز تشریح اموات در مدارس طبی، محل احرام راکب طیاره و...؛ ۲. سؤال و جواب‌هایی درباره علوم و فنون جدید.	۱. مدرس تبریزی، ۳/ ۱۳۲. ۲. همان، ۱۳۳.
شیخ یوسف بن‌احمد عصفور بحرانی	۱۱۸۶ هـ	۱. اجوبة المسائل البحرانية؛ ۲. اجوبة المسائل الشيرازية؛ ۳. اجوبة المسائل الكازرونية.	با توجه به نام این اجوبه‌ها، آنها پاسخ به پرسش‌های مردم شهرها و منطقه‌های خاصند.	مدرس تبریزی، ۳/ ۳۶۰.



عالم‌ان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
سید عبدالعلی ضیاء‌الدین ابوتراب خوانساری	۱۳۴۹ - ۱۳۷۱	۱. السؤال و الجواب؛ ۲. المسائل الخوانساریه؛ ۳. المسائل البحرانية؛ ۴. المسائل الكاظمية.	۱. کتابی به سبک جامع الشتات میرزای قمی است؛ ۲. در پاسخ به مسائلی از مردمان خوانسار نوشته شده است؛ ۳. پاسخ دوازده مسئله است که شیخ علی بن حسن بحرانی (م ۱۳۴۰ ق) نویسنده انور البدرین فی تراجم علما القطیف و الاحساء و البحرین آنها را از مؤلف پرسیده است. مسئله نخست آن در وجوب معرفة الله است؛ ۴. پاسخ مسائلی است که شیخ مهدی جرموقی خراسانی کاظم (م ۳۳۹ ق) صاحب شرح کفایة الاصول آخوند خراسانی از ایشان پرسیده است.	استادی، ۲۳۷، ۲۲۳.
شیخ محمدجواد بن حسن بلاغی	۱۳۵۲ - ۱۳۷۱	۱. التوحید و التثلیث؛ ۲. اجوبة المسائل البغدادية؛ ۳. اجوبة المسائل الشیرازية؛ ۴. اجوبة المسائل الحلیة؛ ۵. از آثار چاپ نشده او رساله‌ای در پاسخ پرسش‌های مردمان تبریز درباره طلاق و تعدد زوجات و حجاب است.	۱. رساله‌ای در پاسخ به رساله فردی مسیحی از سوریه است. این رساله ۶۵ صفحه‌ای در صیدا چاپ شده است (۱۳۳۲ ق)؛ ۲. رساله‌ای در پاسخ به پرسش‌هایی بغدادیان از ایشان درباره اصول دین است.	۱. استادی، ۲۵۰ - ۲۴۱؛ ۲. مدرس تبریزی، ۱/ ۲۷۸.



عالمان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
آخوند ملاعلی بن جمشید نوری	۱۲۴۹ هـ	مجموعه سؤال و جواب به فارسی	به قواعد عقلیه، رفع شبهات، اثبات حقیقت خاتم الانبیاء و... اشاره کرده است (تنکابنی، ۱۶۴).	خرم‌شاهی و دیگران، ۱ / ۱۹.
سید کاظم بن قاسم گیلانی رشتی حائری	۱۲۸۵ هـ	۱. جوابات الأسئلة التوحیدیة؛ ۲. جوابات الأسئلة الدهلویة؛ ۳. جوابات الأسئلة الشفیعیة.		مدرس تبریزی، ۱ / ۳۰۸.
ملا هادی بن محمد سبزواری (فیلسوف سبزواری / اسرار)	۱۲۸۹ هـ	۱. الأجوبة الأسراریة عن الأسئلة السمیعیة؛ ۲. الأجوبة الأسراریة عن الأسئلة العرفانیة.	۱. پاسخ فیلسوف سبزواری به پرسش‌های سمیع خاخالی در شرح برخی از کلمات امیرالمومنین (ع) است؛ ۲. پاسخ فیلسوف سبزواری به پرسش‌های اسماعیل بجنوردی متخلص به عارف درباره انشقاق قعر، رجعت اهل بیت، ظهور حجت و معاد جسمانی است.	تهرانی، ۹۷.
سید محمد باقر بن محمد تقی موسوی شفتی	۱۲۶۰ - ۱۱۷۵ هـ	رسالة السؤال و الجواب		مدرس تبریزی، ۲ / ۲۶ - ۲۷.
سید علی محمد بن محمد نقوی لکهنوی	۱۳۱۲ هـ	۱. اجوبة تحفة الاحباب؛ ۲. هزار مسئله.	۱. پاسخ‌های مسائل بسیاری است؛ ۲. ترجمه الفیه شهید ثانی (زین‌الدین علی) است.	همان، ۱ / ۳۱۹.
محمد قلی بن محمد بن حامد کشمیری	۱۲۶۰ هـ	الأجوبة الفاخرة (فی رد الأشاعة)	در رد شبهات عبدالعزیز دهلوی	تهرانی، ۹۷.

عالمان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
درویش علی بن حسین بغدادی حائری	۱۳۷۷	الأجوبة الحائرية (فی انتصار المذهب الجعفرية)		تهرانی، ۹۷.
علی بن عبدالله بحرانی	۱۳۱۹	الأجوبة العلية (للمسائل المسقطية)	کتاب جامع فقهی و فتوایی او است که آن را شاگرد و خواهرزاده اش احمد بن محمد بن احمد بن سرحان بحرانی بر پایه ترتیب کتب فقهی گردآوری و در ۱۳۱۶ چاپ کرده است.	همان، ۹۷.
آقا محمد باقر بن ملا محمد اکمل بهبهانی	۱۲۵۰ - ۱۱۱۸	اسئلة و اجوبة		تنکابنی، ۲۴۸.
حاج ملا محمد رضا همدانی (کوثر همدانی)	۱۲۴۷ هـ	ارشاد المضیلین فی نبوت خاتم النبیین	این کتاب مفتاح النبوة نیز معروف است و عقل و کتاب‌های انبیای سلف را با یکدیگر جمع می‌کند و به رد ادعای هائری پادری مبلغ معروف دین مسیح (معاصر مؤلف) می‌پردازد.	تنکابنی، ۱۶۴. قراگوزلو، ۲۶۹.
حاجی ملا احمد بن محمد مهدی نراقی	۱۲۴۵ - ۱۱۸۵	الرسائل و المسائل	پاسخ سؤال‌هایی است که از کتاب‌های پدرش و از کشف الغطاء نوشته استادش مرحوم شیخ جعفر نجفی مطالبی در بردارد. این کتاب دو جلد دارد: جلد اول آن به پاسخ‌گویی مسائل فتحعلی شاه قاجار و دیگران و جلد دومش، به برخی از مسائل اصولی و حل برخی از مشکلات می‌پردازد. کتاب در ۱۲۳۰ قمری نوشته شده است.	حبیب آبادی، ۴ / ۱۲۳۶.

عالمان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
میرزا ابوالقاسم بن حسین جیلانی قمی (میرزا قمی)	۱۲۳۱ - ۱۱۵۱	۱. جامع الشتات (اجوبه المسائل)؛ ۲. سؤال و جواب.	کتابی سه جلدی در بردارنده یک دوره فقه از مبحث طهارت تا مبحث دیه‌ها به صورت سؤال و جواب است و پرسش‌های پراکنده و عقاید دینی و مسائل کلامی مانند رد صوفیه در پایان کتاب آمده است و از بهترین کتاب‌های فقهی مؤثر در دیگر رساله‌های سؤال و جواب به شمار می‌رود. ۲. در بردارنده پاره‌ای از مسائل عبادات و معاملات است	تنکابنی، ۴۰. جناتی، ۲۸۱.
سید ابوطالب بن سید ابوتراب (مجتهد قاینی)	۱۲۹۳ - ۱۲۳۰	وسيله السائلین (رساله سؤال و جواب)	این کتاب برای مقلدان نوشته شده است و نسخه‌های فراوانی از آن در قاین هست.	علیزاده بیرجندی، ۸۰.

عالمان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
شیخ مرتضی انصاری	۱۲۸۱ - ۱۲۱۴	۱. کتاب مسئله؛ ۲. ذخیره المعاد؛ ۳. سرور العباد.	۱. جنگی از مسائل و استفتائات مختلف داخلی و خارجی است که به درخواست مقلدان گردآوری و به صورت رساله عملیه در همه ابواب عبادات و معاملات سامان یافته است. ۲. پرسش و پاسخ‌هایی از باب طهارت تا اعتکاف است که آن را مولی شیخ علی شوشتری در قالب ۱۵۰۰ بیت شعر منتشر کرده است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه سامرا، هست. ۳. پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که حاجی محمد علی یزدی آنها را در ۱۲۷۱ گردآوری و در زمان خودش در بمبئی با حواشی میرزای شیرازی چاپ کرده است (۱۳۰۲ ق).	جناتی، ۲۴۶-۲۴۸.
آخوند ملا محمد کاظم خراسانی	۱۳۲۹ - ۱۲۵۵	ذخیره العباد لیوم المعاد	پرسش و پاسخ‌هایی درباره همه ابواب فقه از طهارت تا دیات است.	همان، ۲۶۴.
میرزا محمد تقی شیرازی	۱۳۱۲ - ۱۲۳۰	ذخیره العباد لیوم المعاد (ذخیره المعاد)	کتابی فارسی درباره همه ابواب فقه (از طهارت تا دیات) به صورت سؤال و جواب است.	همان، ۲۶۶.
آیت‌الله سید حسن صدر	۱۳۵۴ - ۱۲۷۲	اجوبه المسائل	این کتاب در عراق (بغداد ۱۳۴۱)، لبنان و امریکا چاپ شده است و همه اعمال و مناسک حج و عمره را در بردارد.	همان، ۲۷۰.



عالمان	سال قمری	نام اجوبه	موضوع	منابع
آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی	۱۳۵۱ هـ	وسيلة النجاة	بیشتر مسائل «مبتلا به» مردم را در بر دارد و با شیوه‌ای نیکو در قالب عبارات واضح، احکام دینی را بازگو می‌کند.	همان، ۲۷۱.
آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی	۱۳۸۱ هـ	انیس المقلدین فی احکام الدین	کتابی به صورت سؤال و جواب است.	همان، ۲۷۲.
شیخ محمدحسین (کاشف الغطاء)	۱۳۳۳ هـ	سؤال و جواب	این کتاب در نجف (۱۳۴۷ ق) چاپ شده است.	همان، ۲۸۴.

## نتیجه

با بررسی شواهد پیش‌گفته و تحلیل محتوای اجوبه‌ها، اهمیت تأثیر آنها در پویایی و پیوستگی فرهنگ تشیع و گسترش اندیشه‌های دینی و آموزه‌های اسلامی روشن می‌شود. افزون بر این، اجوبه‌ها می‌توانند در کنار دیگر منابع ناتاریخ‌نگارانه، دست‌مایه مورخان و محققان تاریخ اجتماعی باشند. اجوبه‌ها را بر پایه معیارهای زیر به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. طراحان سؤال و سطح علمی و جایگاه طبقاتی پرسش‌گران (دولت‌مردان حکومتی، تاجران، طالبان علوم دینی، توده مردم و...):

۲. مضمون و محتوا

۲-۱. اعتقادی (اجتهاد، تقلید، نماز، روزه، ذکات، حجاب، غسل و طهارت، چگونگی برگزاری آیین عزادری و...):

۲-۲. حقوقی (ارث، طلاق، دیات، مهریه، حق الناس، تعیین و حدود اجرای قصاص و...):

۲-۳. اقتصادی (ربا، ضمانت، شراکت، قراض و مضاربه، زمین و املاک، سهم آب و...):

۳. شأن و جایگاه علمی (سلسله مراتب موجود در نهاد روحانیت) پاسخ‌دهنده که بر

پایه آن نوع و شیوه پاسخ‌گویی تغییر می‌کرده است؛  
۴. مسائل و نایزهای عصر و زمان (مباحث مطرح درباره ارتباط با دیگر فرقه‌ها،  
مسائل نوپدید / مستحدثه که بر پایه آن، برخی از اجوبه‌ها نظام فکری و عقیدتی دوره  
خود را باز می‌تابند.

اجوبه‌ها به دلیل همین انعکاس، در تدوین تاریخ اجتماعی بسیار کارآمدند و از طریق  
آنها می‌توان به آگاهی‌هایی درباره تاریخ اجتماعی دست یافت؛ آگاهی‌هایی که گوشه و  
کنار تاریخ حیات اجتماعی ایران را روشن می‌کنند.



## کتاب‌نامه

۱. اباذری، عبدالرحیم (۱۳۹۰)، *تبارنامه حوزه و روحانیت از صدر اسلام تا پهلوی اول*، تهران، انتشارات سلمان فارسی.
۲. استادی، شیخ رضا (۱۳۸۳)، *نوزده ستاره و یک ماه؛ شرح حال چند نفر از فقها و حکما*، چاپ دوم، قم، انتشارات قدس.
۳. افشار، ایرج (۱۳۷۴)، *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (المآثر و الآثار تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه)*، تهران، اساطیر.
۴. اصفهانی، ابوالحسن (۱۳۴۵)، *ذخیره العباد لیوم المعاد در سؤال و جواب عامه البلوی*، نجف، مطبه مرتضویه.
۵. الگار، حامد (۱۳۶۹)، *دین و دولت در ایران، نقش عالمان در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
۶. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۲۷۵ق)، *سؤال و جواب*، گردآورده محمدیوسف استرآبادی، بی‌جا، بی‌نا.
۷. بحرانی، علی بن حسن (۱۳۷۷)، *انور البدرین فی تراجم علما القطیف و الحساء و البحرین*، نجف، افست قم.
۸. پرتو، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، *واژه‌یاب فرهنگ برابره‌های پارسی واژگان بیگانه*، تهران، انتشارات اساطیر.
۹. تنکابنی، محمد بن سلیمان (۱۳۸۳)، *قصص العلماء*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. تهرانی، آقابزرگ (۱۳۷۲)، *مصنفات شیعه (ترجمه و تلخیص الذریعه الی تصانیف الشیعه)*، به اهتمام محمد آصف فکرت، ج ۱، چاپ ۱، بی‌جا، بی‌نا.
۱۱. جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۴)، *ادوار فقه و کیفیت بیان آن*،

- تهران، انتشارات کیهان.
۱۲. حائری مازندرانی، زین‌العابدین بن مسلم (۱۳۱۸)، *ذخیره المعاد فی تکالیف العباد*، لکهنو، مطبع ریاض الرضا.
۱۳. حائری، عبدالهادی (۱۳۶۰)، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران، امیرکبیر.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، *نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران، امیرکبیر.
۱۵. حبیب‌آبادی، محمدعلی معلم (۱۳۶۲)، *مکارم الآثار*، اصفهان، نشر کمال.
۱۶. حجتی، محمدباقر (۱۳۹۰)، *آداب تعلیم و تعلم در اسلام* (تحریر جدید از منیة المرید فی آداب المفید و المستفید از شهید ثانی)، چاپ ۳۳، تهران، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. خسروی، فاطمه (۱۳۹۱)، *آیت‌الله شیخ محمدباقر آیتی گزاری و تحولات اجتماعی و فرهنگی بیرجند از ۱۲۶۶-۱۳۱۳*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه بیرجند.
۱۸. دوانی، علی (۱۳۷۷)، *نهضت روحانیون ایران*، ج ۱ و ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، *مفاحر اسلام*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۵)، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، ج ۴۴؛ ۲۶؛ ۴، تهران، چاپ‌خانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۱. راشد، محمدحسین (۱۳۴۵)، *کتاب ناتمام آخوند ملا محمد حسن هردنگی*، بی‌جا، بی‌نا.
۲۲. رضایی، جمال (۱۳۷۳)، *واژه‌نامه گویش بیرجند*، به اهتمام و هزینه محمود رفیعی، تهران، انتشارات روزبهان.



۲۳. شرایبانی، محمد بن فضلعلی (۱۳۲۱ق)، رساله سؤال و جواب، بی‌جا، بی‌نا.
۲۴. شریعت اصفهانی، فتح‌الله بن محمد جواد (۱۳۳۹ق)، سؤال و جواب مسمی بالوسیله، تهران، مطبه حاج عبدالرحیم باسمه‌چی.
۲۵. شعبانی، رضا (۱۳۷۹)، مبانی تاریخ اجتماعی ایران، تهران، نشر توس.
۲۶. شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۰)، ایران در دوره سلطنت قاجاریه، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی.
۲۷. صدر حاج سید جواد، احمد و دیگران (۱۳۸۰)، دایرة المعارف تشیع، چاپ چهارم، تهران، نشر شهید محبی.
۲۸. علی‌زاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰)، رویارویی اهل شریعت با اهل طریقت در عصر صفوی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند، چاپ دوم، تهران، فکر بکر.
۳۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، عالمان دین در خراسان جنوبی، تهران، فکر بکر.
۳۱. غوث، کمال (۱۳۹۰)، مروری بر آثار و زندگی‌نامه آخوند ملا محمدحسن هردنگی بیرجندی، فقه اهل‌بیت، شماره ۶۷ و ۶۶.
۳۲. فلور، ویلم (۱۳۶۶)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.
۳۳. فوران، جان (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، چاپ هفتم، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
۳۴. قراگوزلو، غلام‌حسین (۱۳۷۳)، هگمتانه تا همدان، تهران، انتشارات

اقبال.

۳۵. قشقای، مهریه (۱۳۸۲)، قضا و قضاوت در دوره اول قاجار (۱۲۱۰-۱۲۶۴ ق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه

الزهر.

۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۱ق)، اجوبه ملا محمد باقر به ملا خلیل، محمد تقی مجلسی تشویق السالکین، چاپ سنگی. بی‌جا، بی‌نا.

۳۷. مدرس تبریزی، میرزا محمد علی (۱۳۶۹)، ریحانة الادب فی التراجم المعروفین بالکنیة اواللقب یا کنی و القاب، تهران، کتاب‌فروشی خیام.

۳۸. وحدتی شبیری، حسن (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷)، «پرسش‌ها و پاسخ‌های فقهی»، آینه پژوهش، شماره ۴۹.